

۲۲۲۷۹۶۷



# هفت اصل طلایی حسابرسی (آنچه هر کتاب حسابرسی نمی آموزد)

تکارش:

عباسعلی دهدشتی نژاد



|                         |                                                                                     |
|-------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | : دهدشتی نژاد، عباسعلی، ۱۳۳۹-                                                       |
| عنوان و نام پدیدآور     | : هفت اصل طلایی حسابرسی (آنچه هر کتاب حسابرسی نمی آموزد) نگارش عباسعلی دهدشتی نژاد. |
| مشخصات نشر              | : تهران: انتشارات کیومرث، ۱۴۰۰.                                                     |
| مشخصات ظاهری            | : ۱۹۱ ص: نمودار.                                                                    |
| شابک                    | : 978-600-8401-74-2                                                                 |
| وضعیت فهرست نویسی       | : فیبا                                                                              |
| عنوان دیگر              | : آنچه هر کتاب حسابرسی نمی آموزد.                                                   |
| موضوع                   | : حسابرسی                                                                           |
| موضوع                   | : Auditing                                                                          |
| رده بندی کنگره          | : HF۵۶۶۷                                                                            |
| رده بندی دیویی          | : ۶۵۷/۴۵                                                                            |
| شماره کتابشناسی ملی     | : ۸۴۵۱۰۹۳                                                                           |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : فیبا                                                                              |



انتشارات کیومرث، تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران،  
بین خیابان فخررازی و دانشگاه، جنب بانک ملت، پلاک ۱۲۰۲، طبقه زیرین  
تلفن: ۶۶۴۱۴۴۹۲ دورنگار ۶۶۹۵۰۴۴۶

www.kumarsbook.com

Email: kumars.book@yahoo.com



Kumarsbook



@Kumarsbook

## هفت اصل طلایی حسابرسی

### نگارش: عباسعلی دهدشتی نژاد

صفحه آرای: حسن قربانی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

چاپ: فرشویه

صحافی: روشنگر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۱-۷۴-۲

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

### موسسه حسابرسی رایمند و همکاران:

تهران- سعادت آباد- بلوار پاک نژاد- بالاتر از چهارراه سرو- کوچه آسمان سوم شرقی- پلاک ۱۵

تلفن: ۲۲۱۳۷۷۰۷ نمابر (فاکس): ۲۲۱۳۷۷۰۸

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است و هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ی ناشر، نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

۷.....پیش‌گفتار.....

## ■ فصل اول: هفت اصل طلایی حسابرسی (از نگاه عباسعلی دهدشتی نژاد - AD) .... ۱۵

۱۶.....اصل اول - عشق (Love).....  
 ۲۰.....اصل دوم - خرد (Wisdom).....  
 ۲۱.....اصل سوم - دانش علمی و عملی (Knowledge).....  
 ۲۳.....اصل چهارم - توجه و دقت (Attention).....  
 ۲۵.....اصل پنجم - اخلاق و درستکاری (Ethics-Honesty).....  
 ۳۰.....اصل ششم - رضایت خاطر (Satisfaction).....  
 ۳۱.....اصل هفتم - اطلاعات (Information).....

## ■ فصل دوم: حسابرسی از ابتدا تا گزارش ..... ۳۳

۴۰.....اول - اداره حسابرسی.....  
 ۴۰.....۱- دعوت صاحبکار (مشتري).....  
 ۴۰.....۲- شناخت صاحبکار و کسب اطمینان از استقلال.....  
 ۴۱.....۳- مکاتبه با حسابرس قبلی.....  
 ۴۱.....۴- نرخ ساعتی انجام کار.....  
 ۴۲.....۵- بودجه کار.....  
 ۴۲.....۶- برنامه‌ریزی جهت شروع کار.....  
 ۴۲.....۷- برگزاری جلسه مقدماتی با تیم حسابرسی.....  
 ۴۳.....۸- اطلاعات مورد نیاز جهت شروع کار.....  
 ۴۴.....۹- جلسه معارفه.....  
 ۴۴.....۱۰- اعزام تیم حسابرسی با معرفی نامه.....  
 ۴۴.....دوم- رسیدگی‌ها.....  
 ۴۵.....۱۱- تشکیل پرونده دائمی.....

|    |                       |
|----|-----------------------|
| ۴۵ | فهرست پرونده دائمی    |
| ۴۷ | ۱۲- تشکیل پرونده جاری |

## ۸۳ ■ فصل سوم: آداب مؤسسه‌داری

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۸۵  | "بایدها" و "نبایدها"                         |
| ۸۵  | نخست بایدها                                  |
| ۸۵  | ۱- مشارکت                                    |
| ۸۸  | ۲- ثبت مؤسسه                                 |
| ۸۸  | ۳- اهداف مؤسسه                               |
| ۸۹  | ۴- بودجه                                     |
| ۹۰  | ۵- اجاره محل مناسب                           |
| ۹۰  | ۶- خرید اثاثیه و وسایل اداری                 |
| ۹۱  | ۷- تقسیم کار بین شرکا                        |
| ۹۱  | ۸- اختصاص برنامه‌ها و دستورالعمل‌های حسابرسی |
| ۹۲  | ۹- تهیه فرم‌های مورد نیاز                    |
| ۹۲  | الف- دسته اول: فرم‌های پرسنلی و اداری        |
| ۱۳۶ | ب- دسته دوم - فرم‌ها و دستورالعمل‌های اساسی  |
| ۱۸۹ | ۱۰- حذف صاحبکاران نامناسب                    |
| ۱۹۱ | کلام آخر                                     |

کتاب حاضر برآمده از دو جلسه کلاس آموزشی در مؤسسه حسابرسی رایموند و همکاران، و تشویق و ترغیب دوستان و همکاران، جهت نوشتن این مطالب به صورت کتاب، و علاقه و تمایل شخصی‌ام، برای استفاده سایرین از مطالب این کتاب می‌باشد.

"برگ سبزی است تحفه درویش"

در سال ۱۳۴۷ از دبیرستان ادب اصفهان، دیپلم ریاضی گرفتم. در کنکور آن سال شرکت نمودم، و در گروه دوم، دانشگاه تهران، قبول شدم. در آن زمان دانشگاه تهران، بر حسب نمرات، شرکت‌کنندگان کنکور، دانشجویان را، در گروه‌های، اول و دوم و سوم، طبقه‌بندی می‌نمود. که من می‌توانستم، در رشته‌های فیزیک و یا اقتصاد ثبت نام نمایم. در این هنگام، یکی از افراد فامیل، به منزل ما آمد، و گفت در رشته حسابداری هم ثبت نام کن. من هیچگونه اطلاعی از رشته حسابداری، نداشتم. لیکن آن فامیل خیرخواه، با توضیحاتی که در مورد، رشته حسابداری داد، تشویق نمود، و اصرار داشت، که حتماً، در کنکور مؤسسه عالی حسابداری، که مؤسسه آموزشی، غیردولتی بود، ثبت نام نمایم. مؤسسه عالی حسابداری، اولین مؤسسه، آموزش عالی خصوصی در رشته حسابداری بود، که سه سال قبل تأسیس شده بود. بالاخره در کنکور مؤسسه مذکور ثبت نام نمودم، و قبول شدم (ورودی سال ۱۳۴۷ مؤسسه عالی حسابداری) به لحاظ این که، کلاس‌های مؤسسه، در آن زمان، صبح‌ها بود، و دانشجویان، می‌توانستند، برای کار کردن و پول در آوردن، جهت گذران زندگی و پرداخت شهریه مؤسسه که خیلی هم گران بود، از ثبت نام، در دانشگاه تهران، و درس خواندن، در رشته فیزیک و یا اقتصاد، صرف نظر نمودم، و در مؤسسه عالی حسابداری، ثبت نام کردم. از همان ماه دوم (آبان ۱۳۴۷) در شرکتی، با ماهی سیصد تومان استخدام شدم، که پول نسبتاً خوبی، برای یک دانشجوی سال اول بود. در سال‌های بعد برنامه درسی مان بعد از ظهرها بود، که می‌توانستم صبح‌ها کار کنم و در نتیجه درآمدم بیشتر شد. لازم است، توضیح مختصری راجع به مؤسسه عالی حسابداری بدهیم. مؤسسه در آن زمان در سطح بین‌المللی بود، و کیفیت تدریس و انتخاب استاد، و متون درسی، در سطح بسیار بالایی، قرار داشت. به طوری که وقتی، جهت ادامه تحصیل، به آمریکا رفتم، اولاً واحدهای درسی‌ام را به طور کامل

پذیرفتند و ثانیاً، در کلاس‌های فوق لیسانس، خیلی راحت و مسلط بودم. این موضوع، در مورد کلیه دانشجویانی که پس از اتمام دوره لیسانس، به خارج رفتند، صدق می‌کند. مؤسسه عالی حسابداری، فارغ‌التحصیلان، بسیار قابل، و با سواد، به جامعه ایران، عرضه نموده، که تعدادی، جزو، خوش نام‌ترین و بهترین حسابرسان فعال، حرفه حسابرسی می‌باشند. در سال ۱۳۵۱، پس از اتمام تحصیلاتم، ازدواج نمودم، پس از طی دوران سربازی، در اسفند ۱۳۵۲، در فروردین ۱۳۵۳، به آمریکا پرواز نمودم. ابتدا در دانشگاه ایلینوئز جنوبی (Sothern Illinons Univarsity)، واقع در کاربندل (Carbondale) و سپس، در دانشگاه ایالتی - بولینگ گرین (Bowling Green State University)، واقع در اهایو (Ohio)، موفق به اخذ MBA شدم. در سال ۱۳۵۴ از آمریکا پس از اخذ MBA به اصفهان رفتم و در دو شرکت صنعتی و معدنی به عنوان مدیر مالی و اداری انجام وظیفه نمودم. اصفهان در آن موقع شهر خلوتی بود و ساعت کار ما از ۸ صبح تا ۱ بعد از ظهر و مجدداً از ۴ الی ۷ بعد از ظهر بود. فاصله بین محل شرکت (خیابان عباس‌آباد) تا منزل ما (چهار باغ بالا) ۵ دقیقه رانندگی بود. بنابراین سه ساعت وقت خوب بعد از ظهر، به استراحت می‌گذشت. من در آن تاریخ ۲۵ ساله بودم و دارای انرژی زیادی برای کار کردن. با مدیران عامل دو شرکت مذکور، صحبت نمودم که وقت ما خیلی به بطلان می‌گذرد، و پیشنهاد دادم، که ساعت کار از ۸ صبح الی ۱۳ و از ۲ بعد از ظهر الی ۵ بعد از ظهر شود، که خوشبختانه مورد موافقت قرار گرفت. بدین لحاظ از ساعت ۵ بعد از ظهر به بعد وقت خوبی بدست آمد که باید کاری می‌کردم.

بلافاصله اقدام به تشکیل یک شرکت حسابرسی و خدمات مدیریت، به نام ایران فاینانس، به اتفاق یکی از دوستان و همکلاسی‌هایم نمودم و از ساعت ۵ بعد از ظهر، به بعد در آن شرکت مشغول فعالیت شدم. خوشبختانه با اقبال خوبی برخوردار شدیم، و موفق گردیدیم، قراردادهایی در زمینه، طرح و تنظیم سیستم‌های مالی و قیمت تمام شده، برای یک هتل، و قراردادهای حسابرسی مالیاتی و عملیاتی، برای شرکت‌های دیگر ببندیم. در این موقع حسابرسی صورت‌های مالی را حسابرسی عملیاتی یا حسابرسی مالی می‌گفتند. در آن زمان حسابرسی عملیاتی و مالیاتی شرکت‌ها با دو نفر حسابرس، جدا بود. یعنی حسابرسی عملیاتی (مالی) توسط یک مؤسسه، و حسابرسی مالیاتی، توسط یک حسابدار رسمی، انجام می‌شد و هیچ رابطه‌ای بین گزارشات حسابرسی مذکور نبود. برای انجام حسابرسی مالیاتی، چون آن موقع "حسابدار رسمی"، نبودم، باید یک حسابدار رسمی، گزارشات را امضاء می‌نمود، و برای این منظور با یک حسابدار رسمی، وارد مذاکره شدم و ایشان راضی به امضاء گزارشات گردید. این عمل قبل از انقلاب متداول بود، و حتی ممیزین مالیاتی نیز به این امر واقف بودند. بدین ترتیب

یک گزارش حسابرسی مالیاتی، با امضاء ایشان انجام دادیم. اینجا و در این هنگام بود، که بنده به فکر افتادم و با خود گفتم که من یا نباید حسابداری می‌خواندم، و یا حالا که حسابداری خوانده‌ام، باید تا بالاترین مرحله که حسابدار رسمی، شدن باشد، ادامه دهم. برای حسابدار رسمی شدن در آن زمان (سال ۱۳۵۵) باید با یک حسابدار رسمی برای سه سال متوالی، به صورت کارآموز، کار کرده و در امتحان حسابدار رسمی، که توسط وزارت دارایی وقت انجام می‌شد، قبول می‌شدم. من هم با مراجعه به ۲ مؤسسه حسابرسی و مصاحبه با حسابداران رسمی مستقر در آن مؤسسات، بالاخره آقای نصراله (ایرج) مختار را در مؤسسه وینی مری اند کمپانی، که یک مؤسسه بین‌المللی بود، انتخاب نموده و در دی ماه ۱۳۵۵ کار حسابرسی را در مؤسسه مذکور، شروع نمودم، یک سال در مؤسسه وینی مری کار کردم، و پیشرفت‌های قابل توجهی نمودم و از C2 به Assistant ارتقاء یافتم. در دی ماه ۱۳۵۶ همراه با آقای مختار به مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران، که توسط آقای مختار و آقای علی ساریخانی تأسیس گردیده بود، رفتم. به هنگام فعال نمودن مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران در سال ۱۳۵۶، با آقای مختار قرار گذاشتیم که به هیچ وجه خودمان را نفروشیم و استقلالمان را مخدوش نکنیم و برای مؤسساتی مثل وزارت دربار شاهنشاهی و مشاور کار نکنیم. در حسابرسی مالیاتی سال ۱۳۵۵ شرکت‌های لوله و ماشین سازی ایران و گروه صنایع شهریار، هزینه‌های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی را برگشت دادیم. این پرداخت‌ها به موجب نامه وزارت دربار شاهنشاهی انجام شده که پس از پرداخت مبالغ درخواست شده، توسط وزیر دربار، نامه رسید چک و تشکر وزارت دربار، دریافت شده بود. یعنی از لحاظ مستندات پرداخت، همه مدارک درست و صحیح بود. صاحبان دو شرکت مورد حسابرسی، آقای مهندس رجبی وزیر اسبق راه و آقای علی رضایی مدیرعامل گروه صنایع شهریار بودند. وقتی ما جهت برگشت هزینه مورد اعتراض مؤدی قرار گرفتیم، به ایشان گفته شد که همه مدارک، مبین صحت پرداخت وجه می‌باشد، لیکن این پرداخت‌ها غیرقانونی است و طبق قانون، جزو هزینه‌های قابل قبول نمی‌باشد. شما اگر نفوذ و قدرت دارید، جهت تصویب یک قانون جهت شناخت هزینه‌های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی به عنوان "هزینه‌های قابل قبول" اقدام نمایید. و در نتیجه چون قانونی برای این هزینه‌ها وجود نداشت، از طرف ما برگشت و به درآمد مشمول مالیات اضافه گردید. پس از انقلاب، مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران، از طرف سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در لیست سیاه قرار گرفت، و وقتی با اعتراض ما مواجه شدند گفتند ما همه مؤسسات حسابرسی قبل از انقلاب را موقتاً در لیست سیاه قرار داده‌ایم تا به تدریج رسیدگی شود. بنده به مدیرعامل وقت

سازمان گفتم ما که نمی‌دانستیم انقلاب می‌شود، ولی کار ما بیانگر طرز کار ما در قبل از انقلاب بوده، و گزارشات شرکت‌های مذکور را ارائه دادیم که هزینه‌های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی را با کمال جرأت و شجاعت، برگشت دادیم. چرا می‌گوییم با تمام جرأت، چون شرکت‌های مذکور متعلق به دو تن از افراد با نفوذ قبل از انقلاب بودند. غرض از بیان این مطلب، این است که ما از همان ابتدای فعالیت، سعی می‌نمودیم، استقلال حرفه‌ای خود را حفظ کرده و کارمان از هر لحاظ، حرفه‌ای و صحیح باشد. این موضوع، به صورت فرهنگ حسابرسی، در مؤسسه گسترش یافت و مؤسسه سعی می‌کرد، کار با کیفیت و عاری از اشکال، ارائه دهد.

در سال ۱۳۶۸، شرکت خدمات مدیریت و حسابرسی رایمند در کنار مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران، را تشکیل دادیم. از سال مذکور تا تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران، در سال ۱۳۸۰، هر دو مؤسسه در کنار هم مشغول کار بودند و با تشکیل مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران با مشارکت آقایان فریبرز امین و همایون مشیرزاده در سال ۱۳۸۰ کلیه فعالیت‌های هر دو مؤسسه تعطیل شد و کارکنان و کارهای حسابرسی، خدمات حسابداری و مشاوره‌ها و سایر، در شهریور ۱۳۸۰، به مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران منتقل گردیدند.

البته سازمان بورس و اوراق بهادار قبل از انتخاب حسابداران رسمی، توسط جامعه حسابداران رسمی ایران، اقدام به معرفی حسابداران معتمد خود در سال ۱۳۷۹ کرد که ما هر سه نفر جزء حسابرسان مورد اعتماد بورس معرفی گردیدیم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون، مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران، به عنوان حسابداران رسمی و معتمد بورس، و در چارچوب مقررات و قوانین و دستورالعمل‌های هر دو سازمان، مشغول به کار می‌باشد. البته لازم به ذکر است که انجمن حسابداران خبره ایران در سال ۱۳۶۴ اقدام به معرفی حسابداران مستقل نمود، که ما نیز جزء اولین حسابداران مستقل عضو انجمن معرفی شدیم، که گواهی نامه حسابدار مستقل خود را از دست زنده یاد استاد ارجمند و بزرگوار، حسابداری ایران، مرحوم حسن سجادی نژاد گرفتیم. البته عنوان مذکور را هیچگاه مراجع دولتی به رسمیت نشناختند، و فقط یک عنوان افتخاری، باقی ماند.

بنده، در سال ۱۳۶۰ به افتخار شراکت در مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران، با حضور شادروانان، مرحومان، استادان ارجمند، جنابان آقایان نصراله (ایرج) مختار، و بهرام غیائی نائل شدم. این نکته را باید با کمال مباهات اعلام نمایم که از کار کردن در خدمت استادان مذکور، بسیار بهره‌مند شدم، و شاگردی آقای مختار که از ابتدای ورودم به حسابرسی تحت نظر ایشان بودم، مباهات و افتخار بی‌مانندی است. یک توضیح لازم است و آن این که با وقوع انقلاب و تغییر

اوضاع اجتماعی ایران، آقایان مختار و غیائی از ایران مهاجرت نمودند، و بیشتر اوقات بنده به تنهایی مسئول اداره امور مؤسسه بودم. در آن سال‌ها و با تشکیل مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه و بودجه، مؤسسان آن مؤسسه، (آقایان علی مستأجران، شیخ الاسلامی، کربلایی صالح و دکتر شریفی) سعی می‌نمودند. کارکنان اصلی مؤسسات قدیمی را جلب نمایند، که در این رابطه مذاکرات مفصلی، توسط آقایان مذکور، و بنده و یکی از همکارانم در مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران صورت گرفت، و از این رهگذر، همکار مذکور به مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع و سازمان برنامه و بودجه، پیوست، ولی بنده در مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران، ماندم. با تشکیل مؤسسه مذکور، حسابرسی کلیه شرکت‌های ملی شده به عهده مؤسسه مذکور واگذار گردید و بدین ترتیب بسیاری از مؤسسات حسابرسی خصوصی، به علت نداشتن کار حسابرسی، در دهه ۱۳۶۰ تعطیل شدند و به کارهای دیگری پرداختند. ما نیز شاید چهار کار حسابرسی بیشتر نداشتیم، و از طریق توسعه کار خدمات حسابداری (Book Keeping)، طرح و تنظیم سیستم‌های مالی و حسابداری صنعتی، سیستم‌های اداری و چارت سازمانی، به حفظ مؤسسه و امرار معاش مشغول شدیم. سال‌های سختی بود و ما در حقیقت، با ضرب سیلی، صورت خود را سرخ نگه داشته، و با عزت نفس و مناعت طبع زندگی کردیم، تا به حمدالله اوضاع تعدیل شد و با گسترش شرکت‌ها و فعالیت سازمان بورس و اوراق بهادار، فعالیت حسابرسی مؤسسات بخش خصوصی از نو شروع گردید. البته من نخواستم تاریخ اتفاقات و تحولات حرفه‌ای را شرح دهم، که چنانچه می‌خواستم این کار را بکنم، مثنوی هفتاد من، می‌شد. چون از شروع انقلاب و با وزیر دارایی شدن آقای بنی‌صدر، و انحلال قانون حسابداران رسمی گرفته، تا هم اکنون، هرکس در این مملکت کاره‌ای شد، فکر کرد، حتماً باید برای حرفه حسابرسی کاری انجام دهد. هم اکنون آقایان نمایندگان مجلس، طرحی ارائه نموده‌اند که با این طرح، حداقل به جامعه حسابداران رسمی ایران، و سازمان حسابرسی ممکن است آسیب‌های جدی و غیرقابل جبران وارد شود. البته مسائل مطرح شده خلاصه‌ای از جریانات عظیم اتفاقات، رخ داده بوده و بیان آنها، در همین حد کافی است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که از سال ۱۳۵۵ که به عنوان کلارک (C<sub>2</sub>) در مؤسسه وینی مری شروع به کار کردم تاکنون که سال ۱۴۰۰ می‌باشد، و در حقیقت از سربازی، شاید به سرداری رسیده‌ام! با کوله‌باری از تجربیات متعدد و متفاوت و متنوع از کار کردن در قالب سه مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران، شرکت مدیریت و خدمات حسابرسی رایمند، و بالاخره در حال حاضر، مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران.